

دانشگاه و دانشجو

در این روزها همه جا صحبت از دانشگاه و دانشگاہیان است در کوچه و بازار در محافل و مجالس در مزرعه و در کارخانه و در خانواده ها ، همه جا ، هر جا که دونفر باهم جمع میشوند از دانشگاه ، از دانشجویان ، از استادان دانشگاه و از نحوه برخورد دولت با مسائل دانشجویی گفتگو میکنند .

گرچه شما بصورت رسمی یعنی از رادیو و نشریات نیمه رسمی کمتر خبری در این مورد بدست می آورید و شاید یکی از عیوب هم همین باشد ، ولی در بین مردم از طبقات گوناگون اکنون مهمتر از مسأله دانشگاه و کلیه مطالبی که در متن و یا در حاشیه آن قرار گرفته است مسأله ای وجود ندارد ، بدون توجه به کیفیت آنچه که در این باره شایع است و دهان بدهان میگردد . این حقیقت جلب توجه میکند که مردم ، مسائل دانشگاهی و اصولاً دستگاه تعلیم و تربیت را باعتبار نقش ممتازی که در جامعه و آدم سازی برای آن دارد بطور مداوم تحت دقت و بررسی قرار داده و کمتر راضی میشوند در این مورد سکوت کرده و یا بدون عکس العمل از کنار آن بگذرند ، چه همه جمعیت این کشور بشکلی ، بصورت مستقیم یا غیر مستقیم با قسمتی و یا واحدی از سازمان آموزش مملکت در ارتباط بوده و خوب و بد آنرا حس میکنند حتی عقب مانده ترین مغزها ، آنها که جمود فکری سرپای وجودشان را گرفته و از درک حقایق عینی شرایط زمان حاضر عاجز و در مانده اند و از قالب معیارهای کهنه و ارتجاعی خارج نمیشوند باز نسبت به مسأله آموزش ، سازمانهای آموزشی و مقررات حاکم بر فرهنگ کشور نمیتوانند بی تفاوت بوده و عیوب و نواقص را نادیده بگیرند ، و این توجه مخصوص خارج از مسائل عاطفی و فردی که بصورت علاقه پدران و مادران به آینده فرزندان و نوباوگان نشان تظاهر میکند یک ریشه عمیق میهنی و اجتماعی هم دارد باین معنی که این تنها فرهنگ است که پاسدار بنیان بقاء و هستی یک ملت در طول تاریخ و در قرون و اعصار بوده و در حالیکه گذشته تاریخی را حفظ میکند و نمایشگر زشتیها و زیباییهای آنست از آینده نیز سخن گفته و رمز جاودان ماندن حیات ملی را در بطن خود پرورش میدهد .

ملت کهنسال ما گنجینه گرانبھائی از فرهنگ پيشتاز عصر قدیم را بعنوان عزیزترین میراث ملی خود در اختیار دارد و این میراث چکیده ایست از آرمانهای گرانقدر ملتی پرمایه و سازنده که در مرحله ای از تاریخ پرچم دار فرهنگ و تمدن گیتی بوده است .

و شما امروز که فقط ناظر نشان های پراکنده ای از آن اقتدار فرهنگی در زوایای فرهنگ دنیای متمدن قرن ما هستید بدون تعصب به گذشته خود افتخار میکنید اما این افتخار هیچوقت نتوانسته است نجات بخش فرهنگ کنونی ما از رخوت و سستی، از عقب ماندگی و اسارت و از ورشکستگی و حقارت باشد .

ما در طولی از زمان که تهاجم مغول ها و اعراب سر آغاز آن بود و سپس به استعمار فرهنگی و اقتصادی استعمار گران بین المللی کشید دچار مرگ فرهنگی شدیم مرگی تدریجی که هم اکنون واکنش های شدید آنرا تحمل میکنیم و میخواهیم روشی اتخاذ کنیم تا حیات فرهنگی خود را از منجلاب فساد و تباهی نجات بخشیم، تردید نیست که برای پیروزی در این امر حساس و بسیار اساسی قبلاً احتیاج به شناسائی همه جانبه و دقیق وضع آموزش و پرورش کشور بر اساس واقعیات خواهیم داشت چه اگر واقع بینی را فدای خیال بافیهای فریبنده کنیم آنچنان کوهی از مشکلات آموزشی ایجاد میکنیم که رفع آن نیز مستلزم تحمل مشقات فراوان و توان فرسا برای همه افراد ملت است.

بنظر ما يك بررسی واقع بینانه و ایزکتیو روی مسائل آموزشی مملکت قبل از هر چیز این حقیقت انکار ناپذیر را آشکار میکند که بر خلاف تمام تبلیغاتی که میشود سازمان آموزشی ما در مجموع خود پاسخگوی احتیاجات جامعه رشد پذیر و ترقی خواه کشور نیست و با مبانی انقلاب عظیم اجتماعی ایران که بحق حکم بر ابطال همه قالب ها و معیار های کهنه ، ارتجاعی و قدیمی داده است هماهنگی ندارد ، این عدم توازن را شاید بتوان در بعضی از سازمان های دولتی و غیر دولتی بصورت موقت تحمل کرد و اصلاح آنها را به مراحل بعدی انقلاب محول ساخت ولی دستگاه آموزش و پرورش بعنوان دستگاهی که نقش سازندگی بنیادی در هر نوع تحول اجتماعی و ملی دارد هرگز نمیتواند مشمول چنین استثنائی در شرایط تحول و تکامل تدریجی باشد .

بحث بهیچوجه بر سر قسمتی و یا شاخه ای از تشکیلات وسیع آموزش و پرورش کشور نیست این ناموزونی از کودکستانها آغاز میشود و سراسر دستگاه آموزشی را در برمیگیرد منتهی مشکلات و ناهماهنگی ها در مراحل نهائی آموزشی یعنی در مدارس عالی و دانشگاهها بصورت تضادهای آشتی ناپذیر با سیستم و تشکیلات غلط تظاهر میکند . و همین تظاهرات اجتناب ناپذیر است

که در صورت منطقی خود راه حل های مناسب جهت برطرف کردن مشکلات و رفع نواقص بوجود میآورد و راه را از چاه نشان میدهد بهمین مناسبت مرحله بروز تضاد بین خواست نیروهای جوان مخصوصاً دانشجویان با شکل سازمان آموزش که هنوز در قواره فرسوده خودنمایی میکند از نظر کیفیت و کمیت اهمیت ممتاز کسب مینماید تشکیلات غیر متحرک و بوروکرات برای ادامه حیات خود بدون توجه بشرایط عینی و مختصات عصر نو در پشت سنگر های ویران شده مقررات خشک و نامتناسب با زمان جبهه میکیرد و از آنجا گرچه با ناامیدی اما بیرحمانه هر گونه جهش مترقیانه را که بنحوی از اقتدار حکومت بوروکراتیسم اداری بگاهد و یا آنرا متزلزل کند سرکوب مینماید و با بکار بستن شیوه های با اصطلاح قانونی مقرراتی وضع میکند که حتی الامکان توسعه و عمیق شدن شکاف هایی که بهمت والای شاهنشاه آریامهر و حمایت صمیمانه جوانان و زحمتکشان این آب و خاک بردژ ارتجاع و عقب ماندگی پدید آمده است متوقف گردد .

و اما از سوی دیگر نیروی فکری و عشق و علاقه طبیعی جوانان و دانشجویان به نوخواهی و نوسازی آفریدگار آنچنان شور و هیجانی است که امید به زندگی پرشکوه را در دل هراسان مترقی ، شرافتمند و معتقد به حقانیت و اصالت انقلاب اجتماعی ایران زنده و جاوید میدارد و این قبل از هر چیز میرساند که گرچه تشکیلات و سازمان آموزش و پرورش مملکت هنوز منطبق و هماهنگ با شرایط خاص زمان حاضر نگردیده و هنوز اصول ، مقررات و آئین نامه ها و نظامنامه های بی تناسب و غلط جزء مهم و عمده ای از این سیستم سازمانی نا آگاه را تشکیل میدهد و مشکلات فراوانی ایجاد مینماید و گرچه هستند کسانی که نمیخواهند حقیقت زمان حال و خصوصیات اجتماعی جامعه تحول یافته ایران را درک کنند . ولی بهر تقدیر آینده ازان جوانان و نیروی عظیم آنها خواهد بود و این جبر زمان و قانون لایتغیر جهان وجود است قانونی که هرگز در صحت آن نمیتوان تردید داشت .

بنظر ما حل همه مشکلات و ناملرادیهای فرهنگی با توجه بهمین اصل بسادگی امکان پذیر خواهد بود اگر ما قبول کنیم که فرمانروایان و رهبران دنیای فردا نوباوگان و جوانان امروز خواهند بود و اگر واقعاً بآنچه که قبول میکنیم ایمان و عقیده داشته باشیم بدون تردید در حل مسائل مربوط بآنها از کودکان گستران گرفته تا دانشگاه با استفاده از شخصیت ، استعداد ، دانش ، هوش و فعالیت خود آنها توفیق حاصل خواهیم نمود، و در غیر این صورت نباید امید به حل تضاد داشت. تضادی که کمترین ضرر و صدمه اش ایجاد جنجال و ناامنی در

محیط علم و دانش خواهد بود.

حوادث اخیر دانشگاه نمونه بارزی از نتایج این تضاد آشکار است تضاد بین نسل نوظلم و ترقی خواه با تشکیلات و مقرراتی که نه فقط هماهنگ با شرایط تجدید بنای انقلابی وطن ما نیست بلکه چون کوهی از ناملایمات و بی عدالتی ها حرکت و کوشش دانشجویان و جوانان نیک سرشت و وطن پرست ما را ترمز میکند. بنظر ما آنچه که دانشجویان دانشگاه بعنوان نمایندگان بلامعارض نسل جوان و فعال کشور طلب میکنند با عدالت و انصاف و با منشور مرفعی انقلاب اجتماعی ایران توازن کامل دارد دانشجویان میخواهند که حیثیت و اعتبار و شخصیت آنها محترم شمرده شود و این از حقوق مسلم آنهاست رفتار بعضی از مسئولان امور دانشگاه و حتی معدودی از استادان مخصوصاً در بعضی از دانشکده ها با دانشجویان بهیچوجه درخور و پسندیده مقام والای استاد و دانشجو نیست این طرز برخورد با دانشجو جز آنکه او را تحریک و عصبانی و تند خو کند ثمره دیگری نخواهد داشت.

دانشجوی دانشگاه که بعد از تحمل مشقات فراوان بدانشگاه راه یافته و این پیروزی را بسیار عزیز میدارد تنها بهمین علت که دانشجوی دانشگاه و هم صحبت اساتید عالیقدر میباشد انتظار دارد که لاقلاً شخصیت او با احترام بدانشگاه و شخصیت استادان توأم گردد حتماً هم اینطور استنباط میشود که احترام دانشگاه و حیثیت استاد بستگی جدائی ناپذیر با حفظ احترام و اعتبار دانشجو دارد.

بنظر ما دانشجو قبل از هر مسئله دیگر شیفته و خواستار چنین احترامی

است.

اینطور که مشاهده میشود بعضی از مسئولان امور دانشگاه تهران هر گونه فعالیت صنفی و تقاضاهای دانشجویی دانشجویان را بحساب فعالیت های مضره غیر صنفی میگذارند و حال آنکه این نوع برداشت از مسائل نه آنکه هیچ گره ای را نمیکشاید بلکه موجب پیدایش مسائل و معضلات جدیدی نیز میگردد که حل آنها از طریق معمولی امکان پذیر نیست و اغلب دیده میشود که بی جهت و بصورت غیر لازم يك مسئله كوچك و پیش پا افتاده دانشگاهی بصورت مشکلی بزرگ در کادر مملکتی و در برابر دولت واقع میشود و این نیست جز مدیریت ناقص و وجود مقررات کهنه؛ مقرراتی که برای جان دانشجو و دانشگاه است. مقرراتی که حتماً باید در آن تجدید نظر اساسی و کلی بعمل آید

مسئولان امور دانشگاه تهران باید توجه داشته باشند که شرایط کنونی

جامعه ما تحت تأثیر انقلاب اجتماعی ایران نه فقط اصول روابط تولیدی و

اجتماعی را در روستا و در شهر واژگون ساخته بلکه بطور کلی و بنحوی قاطع در تمام زمینه‌های حیات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه تأثیر اجتناب ناپذیر بر جای گذاشته است بعبارت دیگر رژیم جابرا نه ارباب‌ورعیتی تنها در روستا سرکوب نشده زیرا حاکمیت آن رژیم فقط به روستا محدود نمیشد باین مناسبت در دوران سازندگی دموکراتیک کشور دانشگاه نمیتواند و حق ندارد خاموش، مرده و بیحرکت باشد دانشگاه واحد فعال انقلاب است و اگر نیست باید بشود دانشگاه باید قابلیت درک عمیق تعالیم انقلاب اجتماعی ایران را داشته باشد نخست آنرا بیاموزد و سپس مروج اصول آن باشد آیا رسیدن باین هدف عالی بدون توجه عادلانه بحقوق صنفی و تمایلات روانی دانشجویان امکان پذیر است؟

آیا ایجاد تشییقات و محدودیت‌های تحصیلی و اتخاذ تصمیم‌های عجولانه نتیجه‌ای جز تشدید تضادهای موجود خواهد داشت؟

اگر دانشگاهی وجود دارد برای دانشجویان است و کاملاً طبیعی است که همه مسئولان دانشگاه خدمتگزار مؤسسه‌ای هستند که متعلق به دانشجویان این کشور است و لذا لازم است با دقتی بیشتر و روشی انسانی‌تر با دانشجویان آینده او روبرو شوند بخدا سوگند دانشجویان ایران پاسدار مطمئن رژیم این مملکت هستند آنها اگر از مسئولان دانشگاه میهن پرست تر نباشند بدون تردید کمتر از آنها به سرنوشت کشور خود علاقه ندارند.

چرا باین حقیقت تا بنانك توجه نمیکنید .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی